

بررسی فقهی تقویت بنیه دفاعی در اسلام

محمدعلی نویدپور*

محسن کاشانی**

چکیده

سیره عملی پیشوایان اسلام نشان می‌دهد که آنها برای مقابله با دشمن از هیچ فرصتی غفلت نمی‌کردند، در تجهیز سلاح و نفرت، تقویت روحیه سربازان و به کار بستن هرگونه تاکتیک جنگی، هیچ مطلب کوچک و بزرگی را از نظر دور نمی‌داشتند. در مبانی فقهی شیعه نیز به این مسأله مهم پرداخته شده است. تبیین ضرورت قدرت و اقتدار و افزایش توانمندی‌ها به منظور قاعده نفی سبیل، انگیزه‌ای که موجب تنظیم این مقاله با عنوان «بررسی فقهی تقویت بنیه دفاعی در اسلام» شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد مؤلفه تأثیرگذار قدرت نظامی دفاعی در مبانی فقهی قابل اثبات است. تا در مخاطرات غیرقابل پیش‌بینی، اسلام را مصون بدارد و به اهداف خود که استقلال نظام و تحمیل اراده به دشمن است رسیده و از ره آورد آن برای افزایش قدرت و پیشرفت اسلام بیافزاید. روش این تحقیق تحلیلی - توصیفی و ابزار آن، فیش برداری و تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: تقویت، بنیه دفاعی، فقه، اسلام.

*. طلبه سطح چهار، حوزه علمیه قم.

**». دانشجوی دکتری، تاریخ فرقه‌های تشیع دانشگاه ادیان و مذاهب قم؛ و طلبه سطح چهار حوزه علمیه قم.

مقدمه

در اسلام، بحثِ دفاع در قالبِ «جهاد» آورده شده است. از آنجا که اسلام به کرامتِ انسانی اهمیتِ بالایی قائل است و آزادی را بر اساسِ آن برمی‌شمارد، دفاع در مقابلِ هر عملی که باعثِ محدود شدنِ کرامتِ انسانی شود را واجب می‌داند. خداوند خود را نخستین مدافعِ مؤمنان و بندگان خویش معرفی کرده و می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ﴾^۱

«بی‌گمان، خدا از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند. در حقیقت،

خدا هیچ خیانت‌پیشه ناسپاسی را دوست نمی‌دارد.»

پس در اسلام، هدف از جنگ در حقیقت دفاع مشروع در برابر زورِ زورگویان و خیانتِ مستکبران و دشمنان است. دفاع از مملکتِ اسلامی، دفاع از نوامیسِ مسلمانان، از واجباتِ شرعی الهی است که بر همگان واجب می‌باشد. سیاستِ نظامی و تقویتِ دفاعی جمهوری اسلامی ایران نیز بر اساسِ نفیِ هرگونه تسلط‌پذیری، حفظِ استقلالِ همه‌جانبه و تمامیتِ ارضیِ کشور، دفاع از حقوقِ مسلمانان و عدمِ تعهد در برابرِ قدرت‌های سلطه‌گر و همچنین برقراری روابطِ صلح‌آمیز با دولت‌های غیرمحارب استوار است.

این پژوهش که با هدفِ بررسیِ دلایلِ تقویتِ بنیه دفاعی از منظرِ فقه شیعه انجام شده، به دنبالِ تشریحِ تجهیزِ نظامی در ادله اربعه (کتاب، سنت، عقل و اجماع) است تا مشروعیتِ این تقویت را در چارچوبِ فقهی موردِ پژوهش قرار دهد.

روش پژوهش

روش تحقیق در این نوشتار روش توصیفی - تحلیلی است به این طریق که بر اساس مطالعات کتابخانه و یادداشت برداری از منابع تحقیق بررسی فقهی تقویت بُنیه دفاعی در اسلام به صورت جامع و سازگار بر مبنای دینی بررسی می‌شود و با به کارگیری روش‌های عام تحلیل و بررسی تطبیقی مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

مفهوم شناسی

دفاع در لغت: به معنای دور کردن با استفاده از زور و قدرت است. سیبویه به نقل از عرب آورده: «إدفع الشرّ ولو أصعباً»؛ «بدی را و لو با انگشت دور کن».^۱

در اصطلاح فقهی: دفاع عبارت از تکلیف و حقوقی است که از سوی خداوند به عنوان مالک و قانون‌گذار مطرح شده است. شخص از این حق برخوردار است که برای پیش‌گیری از آسیب‌هایی که اعتقاد و مال و جان و آبروی وی را تهدید می‌کند دفاع و حمایت کند و از یک نظر تکلیفی است که نمی‌تواند از آن عدول نماید.

بنابراین، همواره سخن از حق دفاع از جان، مال و عرض به میان می‌آید و به عنوان تکلیف از وی خواسته شده تا آنها را از هرگونه آسیب در امان نگه دارد و محافظت نماید و در برابر متجاوز بایستد و از آنها حمایت کند.

در اصطلاح نظامی: دفاع به راه‌ها و روش‌هایی گفته می‌شود که در جنگ‌ها برای دفع حملات دشمن به کار گرفته می‌شود.^۲

۱. ابن منظور، ۱۴۲۴ق: ۸، ۸۷.

۲. آرزو، ۱۳۹۵: ۲۰۷.

در قرآن کریم واژه دفع را به شکل‌های گوناگون به کار برده است که از آن جمله «یدافع» در آیه شریفه ﴿إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ﴾^۱.

همچنین واژه‌های «دفع»: (بقره، ۲۵۱)، «دافع»: (طور، ۸)، «دفعتم»: (نساء، ۶)، «ادفع»: (مؤمنون، ۹۶) و «ادفعوا»: (آل عمران، ۱۶۷) نیز در قرآن به کار رفته است.

ضروری بودن دفاع

مشروعیت دفاع و تقویت بُنیه دفاعی، مستلزم آن است که ارتکاب اعمال مجرمانه (در مقام دفاع) تنها وسیله ممکن برای دفع تجاوز باشد، بنابراین وقتی دفاع‌کننده بتواند برای حفظ عرض یا نفس یا ناموس یا مال خود یا دیگری به مقامات عمومی مراجعه کند توسل به دفاع مشروع ممکن نیست. دفاع مشروع اعمال یک حق و حتی انجام یک تکلیف است در مواقعی که خطر قریب‌الوقوع است و به مراجع عمومی دسترسی نیست. فکر وجود حق طبیعی دفاع و ضرورت دفاع به‌عنوان یک حق یا وظیفه، اساس این نظریه را تشکیل می‌دهد، حق دفاع در ادوار مختلف پیوسته یکی از علل مشروعیت ارتکاب جرم شناخته شده است.

مقصود از ضروری بودن، وجوب انجام عمل دفاعی نیست، بلکه یعنی دفاع نکردن حرام است. شرط ضرورت، متعلق به جنس عمل دفاعی است نه انجام آن. فقهای مانند: حضرت امام علیه السلام، شافعی، مالکی، حنبلی و حنفی همگی معتقدند که به کارگیری هر عملی از اعمال دفاعی تا زمانی که دفاع متوقف بر آن نبوده و طریقی دیگر وجود داشته باشد جایز نیست.

امام باقر علیه السلام در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل و آن را تکرار کرده و خطاب به یکی از یاران‌شان می‌فرماید:

«یا ابا مریم، هل تدری مادون مظلّمته؟ قلت: جعلت فداک الرجل یقتل دون أهله ودون ماله وأشباه ذلک. فقال: یا ابا مریم، إنّ من الفقه عرفان الحق»^۱

«ای ابو مریم آیا می دانی مفهوم «مظلّمه» چیست؟ گفتم: فدایت شوم! منظور این است که کسی در کنار اهل و عیال و مال خود و امثال آن کشته شود. فرمود: یا ابا مریم شناخت حق از فقه است.»

البته روایات مزبور ناظر به نهایت اضطرار در اقدام دفاعی هستند. صاحب جواهر^۲ دفاع از جان، حریم و مال را اقدامی مطابق اصل و اجماع و نصوص دینی معرفی می کند، اما بلافاصله به قول فقیهان شیعه در وجوب رعایت سلسله مراتب، دفاع از سهل ترین تا دشوارترین اقدامات «من الأسهل إلى الصعب ثمّ الأصعب»، از تذکر زبانی، اعتراض مسالمت آمیز تا مبارزه مسلحانه را یادآور می شود. هر چند خود او، به خصوص در مورد دزد مسلّح و محارب، رعایت چنین ترتیبی را واجب نمی داند.^۳

شهید ثانی در کتاب شرح لمعه می نویسد که: باید دفاع از جان، ناموس و مال به آسان ترین روش ها تکیه کرد، به تدریج روش های سخت تر را در پیش گرفت.^۴

صاحب جواهر در کتابش می نویسد که:

اگر متعدی تجاوزکار با فریاد زدن دفع نشود، باید با کتک او را دفع کرد، اگر آن نیز بی اثر بود باید چوبدستی را به کار گرفت، اگر این هم فایده نداشت باید به وسیله سلاح کشت تا دفع گردد.^۵

لازم به بیان است که در اسلام، مقصود از جنگ، توسعه طلبی امپریالیستی و تسلط بر جوامع دیگر و استضعاف و استثمار آنها و به دست آوردن بازارهای

۱. حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ۱۵، ۱۲۱.

۲. نجفی، ۱۳۷۲: ۴۱، ۶۵۱.

۳. شهید ثانی، ۱۳۷۲: ۹، ۳۴۸.

۴. نجفی، ۱۳۷۲: ۴۱، ۶۵۱.



تجاری نیست و فقط به سبب آزادی و حقوق انسان‌ها است.^۱ مرحوم طالقانی در کتابش می‌نویسد: «آیه دلالت بر وجوب حتمی و مطابق با واقعیت دارد».^۲ امام خمینی رحمه الله بر جنگ دائمی اسلام و کفر تأکید داشت، آن حضرت درباره مشروعیت دفاع مقدس و باطل بودن اقدامات دشمن تجاوزگر اتمام داشت. ایشان می‌فرمایند:

«ما وظیفه داریم که این اسلامی که الآن به ما رسیده حفظش کنیم، تا آن فرد آخری هم که - خدای نخواسته - کشته می‌شود، موظف برای حفظ اسلام، برای دفاع از ملت، دفاع از کیان اسلامی، دفاع از کشور اسلامی است».^۳

تداوم دفاع محور صیانت از اسلام و ضرورت نگهداری از این میراث عظیم الهی. امام رحمه الله تأکید می‌نمودند:

«جنگ ما جنگی است بین اسلام و کفر، نه جنگی است مابین یک کشور و یک کشور. مابین اسلام و کفر است. امروز اگر ما عقب‌نشینی کنیم، اسلام را شکست دادیم».^۴

تقویت بنیه دفاعی از منظر قرآن

خدای متعال در قرآن کریم چنین می‌فرماید:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ ۚ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَوْفَ إِلَيْكُمْ ۚ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾^۵

۱. ابراهیمی، ۱۳۷۲: ۸۱

۲. طالقانی، ۱۳۹۸: ۲، ۱۱۶.

۳. موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۱۵، ۱۱۲.

۴. همان: ۱۸، ۳۸۵.

۵. انفال: ۶۰.

شما مؤمنان باید برای مقابله با کافرانی که پیرامون شمایند، آنچه در توان دارید از نیروی رزمی و اسبان بسته (آماده نبرد) فراهم آورید تا بدین وسیله کسانی را که دشمن خدا و دشمن شمایند بترسانید [و اندیشه هجوم به مسلمانان را از آنان سلب کنید] و نیز باید برای مقابله با دشمنان دیگری که غیر از اینانند و شما از آنان بی خبرید و خدا به وجودشان آگاه است نیروی رزمی آماده کنید، و بدانید که هر چیزی را در راه خدا هزینه کنید، بی کم و کاست به شما بازگردانده می شود و بر شما ستم نخواهد شد.^۱

قرآن کریم در این آیه، تقویت بنیه نظامی با تمام توان تا حد ارباب و ارباب دشمنان خدا را وظیفه ای برعهده مسلمانان و نظام اسلامی دانسته و هرگونه تأمین و پرداخت هزینه در این راه را از مصادیق انفاق در راه خدا شمرده است.

در این آیه شریفه، هدف از افزایش قدرت جنگی را ویران کردن سرزمین ها و تصاحب اموال دیگران بیان نمی دارد، بلکه هدف این است که با این وسائل دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید: «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» از این آیه می توان فهمید که در سیاست اسلامی، قدرت و طاقت مطلوبیت ذاتی ندارد؛ بلکه تحصیل آن فقط برای آن است که ضامن تحقق امنیت در جامعه و جلوگیری طغیان گری و تجاوز باشد.^۲

تفسیر نمونه در توضیح این آیه چنین عنوان می کند: به تناسب دستورات گذشته در زمینه جهاد اسلامی، در نخستین آیه مورد بحث به یک اصل حیاتی که در هر عصر و زمان باید مورد توجه مسلمانان باشد اشاره می کند و آن لزوم آمادگی رزمی کافی در برابر دشمنان است. نخست می گوید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ

۱. صفوی، ۱۳۹۴: ۱۸۴.

۲. فیروزی، ۱۳۸۹: ۱۱۰.

قُوَّةٌ؛ «و در برابر دشمنان هر قدر توانایی دارید از نیرو و قدرت آماده سازید».^۱ یعنی در انتظار نمانید تا دشمن به شما حمله کند و آن گاه آماده مقابله شوید، بلکه از پیش باید به حد کافی آمادگی در برابر هجوم‌های احتمالی دشمن داشته باشید. در جمله کوتاه فوق یک اصل اساسی در زمینه جهاد اسلامی و حفظ موجودیت مسلمانان، و مجد و عظمت و افتخارات آنان بیان شده است، و تعبیر آیه به قدری وسیع است که بر هر عصر و زمان و مکانی کاملاً تطبیق می‌کند. کلمه «قُوَّةٌ» چه کلمه کوچک و پر معنایی است، نه تنها وسائل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصری را در بر می‌گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرت‌هایی را که به نوعی از انواع، در پیروزی بر دشمن اثر دارد شامل می‌شود، اعم از نیروهای مادی و معنوی.^۲

در ادامه قرآن کریم به هدف منطقی و انسانی این موضوع اشاره می‌کند و می‌گوید هدف این نیست که مردم جهان و حتی ملت خود را به انواع سلاح‌های مخرب و ویرانگر درو کنید، و آبادی‌ها و زمین‌ها را به ویرانی بکشانید؛ هدف این نیست که سرزمین‌ها و اموال دیگران را تصاحب کنید؛ و هدف این نیست که اصول بردگی و استعمار را در جهان گسترش دهید، بلکه هدف این است که با این وسائل دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ». زیرا غالب دشمنان گوششان بدهکار حرف حساب و منطق و اصول انسانی نیست، آنها چیزی جز منطق زور نمی‌فهمند! اگر مسلمانان ضعیف باشند همه‌گونه تحمیلات به آنها می‌شود، اما هنگامی که کسب قدرت کافی کنند دشمنان حق و عدالت و دشمنان استقلال و آزادی بوحشت می‌افتند و سر جای خود می‌نشینند.^۳

۱. طباطبایی، ۱۳۷۸: ۷، ۲۲۲.

۲. همان.

۳. همان.

تقویت بنیه دفاعی در دیدگاه فقه شیعه (ادله اربعه)

آنچه بر وجوب جهاد دفاعی و تقویت بنیه دفاعی - به غیر از فطرت - دلالت می‌کند ادله اربعه، یعنی کتاب، سنت، اجماع و عقل است.

۱. کتاب

در بین آیات می‌توان به دو آیه اشاره کرد:

﴿أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْنَهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾^۱

«به کسانی که مورد جنگ و هجوم قرار می‌گیرند، به سبب آنکه به آنان ستم شده، اذن جنگ داده شده، مسلماً خدا بر یاری دادن آنان تواناست».

در آیه مبارکه تصریح شده که کسی که از جانب مشرکان مورد ظلم قرار گرفته است، در جهاد مأذون است. این آیه درباره مهاجرین نازل شده است که اهل مکه آنها را از وطن‌شان خارج کرده بودند؛ زمانی که مسلمانان قوت پیدا کردند، خداوند آنها را به جهاد امر کرد و برای آنها حق نبرد قرار داد.^۲

استناد به این آیه در مشروعیت و وجوب جهاد دفاعی در آثار برخی از معاصرین دیده می‌شود.^۳ ﴿لَوْ لَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ﴾؛ «اگر خدا [تجاوز] برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین را فساد فرا می‌گرفت».^۴ که استناد به این آیه در کتب برخی از فقها به چشم می‌خورد.^۵

۱. حج: ۳۹.

۲. طوسی، ۱۳۶۵: ۷، ۳۲۰.

۳. منتظری، ۱۳۶۷: ۱، ۱۲۱؛ ساعدی، ۱۴۳۳ق: ۶۴.

۴. بقره: ۱۵۱.

۵. منتظری، ۱۳۶۷: ۱۲۱/۱؛ یزدی، ۱۴۱۴ق: ۲۷۴/۲.



۲. سنت

در بین روایات می‌توان به روایت یونس بن عبدالرحمن از امام رضا علیه السلام اشاره

کرد:

«قُلْتُ لَهُ جَعَلْتُ فِدَاكَ إِنَّ رَجُلًا مِنْ مَوَالِيكَ بَلَغَهُ أَنَّ رَجُلًا يُعْطَى سِنْفًا وَ قَوْسًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاتَاهُ فَأَخَذَهُمَا مِنْهُ ثُمَّ لَقِيَهِ أَصْحَابُهُ فَأَخْبَرُوهُ أَنَّ السَّبِيلَ مَعَ هَؤُلَاءِ لَا يَجُوزُ وَ أَمْرُهُ بِرَدِّهِمَا قَالَ فَلْيَفْعَلْ قَالَ قَدْ طَلَبَ الرَّجُلُ فَلَمْ يَجِدْهُ وَ قِيلَ لَهُ قَدْ فَضَى الرَّجُلُ قَالَ فَلْيَرَابُطْ وَ لَا يُقَاتِلْ قُلْتُ مِثْلَ قَرْوِينَ وَ عَسْقَلَانَ وَ الدَّيْلَمِ، وَ مَا أَشْبَهَ هَذِهِ الثُّغُورَ فَقَالَ نَعَمْ قَالَ فَإِنْ جَاءَ الْعَدُوُّ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي هُوَ فِيهِ مُرَابِطٌ كَيْفَ يَصْنَعُ قَالَ يُقَاتِلُ عَنْ بَيْضَةِ الْإِسْلَامِ قَالَ يُجَاهِدُ قَالَ لَا إِلَّا أَنْ يَخَافَ عَلَى دَارِ الْمُسْلِمِينَ أَرَأَيْتَكَ لَوْ أَنَّ الرُّومَ دَخَلُوا عَلَى الْمُسْلِمِينَ لَمْ يَنْبَغِ لَهُمْ أَنْ يَمْنَعُوهُمْ قَالَ يُرَابِطُ وَ لَا يُقَاتِلُ وَ إِنْ خَافَ عَلَى بَيْضَةِ الْإِسْلَامِ وَ الْمُسْلِمِينَ قَاتِلَ فَيَكُونُ قِتَالُهُ لِنَفْسِهِ لَا لِلسُّلْطَانِ لَأَنَّ فِي دُرُوسِ الْإِسْلَامِ دُرُوسَ ذِكْرِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله»^۱

این روایت درباره مردی است که از حکومت وقت، شمشیر و اسب گرفته و در لشکریان آنها حضور دارد و سپس متوجه می‌شود که جهاد به دستور حاکمان جور، جایز نیست و در صدد برگرداندن سلاح‌ها به صاحبانش برمی‌آید و در فرضی که صاحبش را نمی‌یابد، حضرت فرموده‌اند: مرزبانی برای این شخص جایز است؛ اما جهاد و نبرد جایز نیست. سپس راوی از جواز جهاد و نبرد (ابتدایی) پرسش می‌کند. حضرت از این عمل نهی می‌کنند و یک صورت را استثناء می‌کنند و آن در جایی است که از هجوم دشمن بر کودکان و زنان مسلمانان ترسیده شود و با استغهام انکاری فرموده‌اند: اگر لشکریان روم بر مسلمانان هجوم آورند، آیا شایسته نیست مسلمانان مانع هجوم آنها شوند؟ و تأکید کرده‌اند که مرزبانی جایز است؛ اما نبرد (ابتدایی) جایز

۱. حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۳۰/۱۵.



نیست؛ مگر اینکه اصل و اساس اسلام در خطر بیفتد، که در این صورت نیز نبرد او برای حفظ خودش و دینش است نه دفاع از سران حکومت. در ادامه فرموده‌اند:

«چرا که با از بین رفتن اسلام (بنی‌امیه) یاد و نام پیامبر (اسلام حقیقی) نیز از بین می‌رود. برخی از فقها با بیان این روایت، بر مشروعیت جهاد دفاعی استناد کرده‌اند.»^۱

۳. اجماع

محقق نجفی در مقام تعلیل بر وجوب جهاد دفاعی می‌نویسد:

«اگر کفار اراده نابود کردن اسلام و از بین بردن شعائر دین و محو رسالت و شریعت پیامبر را داشته باشند، در وجوب جهاد در این وضعیت هیچ شک و شبهه‌ای نیست...؛ بلکه اجماع محصل و منقول بر وجوب دفاع دلالت می‌کند.»^۲

بر این اساس، ادعای اجماع در کلمات سایر فقها نیز دیده می‌شود.^۳

۴. عقل

برخی از فقها در تبیین ادله وجوب جهاد دفاعی، دلیل عقل را این‌گونه تقریب کرده‌اند: عقل، حکم قطعی می‌کند؛ به لزوم قطع آنچه که منشأ فساد و افساد جان، آبرو یا مال می‌شود.^۴

یکی از محققین در این رابطه می‌نویسد

«از ادله واضح بر مشروعیت جهاد دفاعی؛ بلکه وجوب آن، دلیل عقل است؛ چرا که عقل حکم به وجوب دفع ضرر و خطر مهاجم می‌کند و همین‌طور عقل حکم می‌کند به اینکه در مقابل کسی که به جان، مال یا آبرو

۱. عراقی، ۱۴۱۴ق: ۳۲/۴.

۲. صاحب جواهر، ۱۳۷۲: ۴۷/۲۱.

۳. خویی، ۱۴۱۸ق: ۳۸۸/۱.

۴. سبزواری، ۱۴۱۳ق: ۱۰۱/۱۵.

یا مقدسات انسان تعرض کرده است، مقابله و برخورد شود و این حکم عقل از اولیات و اهمّ واجبات است و عقل، کسی را که توانایی دفاع داشته باشد و آن را ترک کند، به شدیدترین وجه ملامت می‌کند.^۱

۵. فطرت

لزوم دفاع در وجدان هر موجود با فهم و شعوری یافت می‌شود و احتیاج به آوردن دلیل ندارد.^۲ چرا که دفع دشمن و مانع شدن از صدمه دشمن به زوایای حیات و زندگی انسان مانند جان، آبرو، مال و دین، امری عقلایی است که عقل هر انسانی آن را درک می‌کند؛ بلکه هر موجود صاحب حیاتی آن را حس می‌کند.^۳ پس فطرت هر انسانی بر وجوب دفاع در مقابل تهاجم، دلالت می‌کند و این امر به انسان اختصاص ندارد؛ بلکه در حیوانات هم هست و هنگامی که یک حیوان یا فرزندش مورد هجوم مهاجمی قرار می‌گیرد، از خود دفاع می‌کند.

یکی از معاصرین در این باره می‌نویسد:

«جهاد دفاعی در مقابل هجوم اجانب و کفار و تسلط آنها بر بلاد مسلمین و فرهنگ و اقتصاد آنها از اوجب واجبات است و تشکیک در آن، تشکیک در حکم کتاب و سنت؛ بلکه حکم عقل و فطرت است.»^۴

تأکید امام خمینی رحمه الله بر ماهیت دفاعی جنگ ایران به وفور مشاهده می‌شود. ایشان در بیانات متعدد در طول هشت سال جنگ ایران، پدیده تجاوز دشمن را «دفاع» نامیده‌اند و برای تصریح منظور خویش بارها اصطلاح «دفاع مقدس» یا «جنگ تحمیلی» را به کار برده‌اند.

۱. ساعدی، ۱۴۳۳ق: ۵۷.

۲. سبزواری، ۱۴۱۳ق: ۱۰۱/۱۵.

۳. یزدی، ۱۴۱۴ق: ۲۷۲/۲.

۴. منتظری، ۱۳۶۷: ۱۲۳/۱.



ایشان بر وجوب و لزوم دفاع مقدس، افزون بر فطری بودن آن، به حکم عقل، شرع و وجدان استناد کرده‌اند و آن را تکلیف شرعی، انسانی و ملی آحاد مردم دانسته‌اند. در ادامه به برخی از بیانات ایشان اشاره می‌شود:

«اینکه مسلمین از جان و مال و نوامیس خود دفاع کنند، این را، هم خدا و هم عقل و هم شرع اجازه می‌دهد».^۱ شما می‌دانید که این جنگ به کشور ایران تحمیل شده و ما از کشور خود دفاع می‌کنیم؛ دفاعی که عقلاً و شرعاً واجب است.^۲ دفاع از اسلام و کشور اسلامی، امری است که در مواقع خطر، تکلیف شرعی، الهی و ملی است.^۳ دفاع که یک مسأله عقلی است. یک مسأله‌ای است که حتی حیوانات هم اصلاً وقتی بخواهند حمله کنند، دفاع می‌کنند. دفاع یک مسأله طبیعی است.^۴ جنگ دفاعی از تکلیف‌های شرعی و وجدانی و انسانی همه است.^۵

بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران همچنین در تحریر الوسیله بیان نموده‌اند:

«اگر دشمنی که از حمله او بر اساس اسلام و اجتماع مسلمین ترس است، شهرهای مسلمین یا مرزهای آنان را مورد هجوم قرار دهد، دفاع از مرزها بر مسلمانان به هر وسیله‌ای که ممکن است؛ ولو با بذل مال و جان، واجب است».^۶

یکی از معاصرین ضمن پذیرش عدم اشتراط حضور یا اذن معصوم، این نکته را اضافه کرده است:

«چه بسا دفاع از سرزمین اسلامی بر اجتماع و تشکیلات توقف دارد، در این صورت بایستی رهبر و پیشوایی زمام امور را در دست بگیرد.

۱. موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۴۹۰/۱۶.

۲. همان، ۲۵۵/۱۳.

۳. همان، ۱۵۹/۱۲.

۴. همان، ۳۱۸/۱۶.

۵. همان، ۴۰۱/۱۵.

۶. همان: ۴۸۵/۱.

در این فرض، لزوم رهبر، شرط وجود دفاع خواهد بود؛ نه شرط وجوب

دفاع، از این رو، تحصیل این شرط واجب است.^۱

مرحوم امام علیه السلام نسبت به این حکم فرموده‌اند:

«قسم دوم از جنگ اسلامی که به نام دفاع اسم برده شده و آن

جنگیدن برای حفظ استقلال کشور و دفاع از اجانب است؛ به هیچ

وجه مشروط به وجود امام یا نایب امام نیست و کسی از مجتهدین

نگفته که دفاع را باید با امام یا جانشین آن کرد.^۲

در تحریر الوسیله آمده است:

«بیان شده است که دفاع مشروط به حضور امام و اذن او یا اذن

نایب خاص یا نایب عام آن حضرت، نیست، پس بر هر مکلفی، بدون

هیچ قید و شرطی واجب است؛ به هر وسیله‌ای که باشد، دفاع نماید.^۳

در بیانات امام خمینی علیه السلام آمده است:

«احدی از علمای اسلام نیست که بگوید دفاع در اسلام نیست.

دفاع هیچ احتیاج به یک ولی‌ای ندارد (اذن ولی)، هیچ احتیاج به یک

امامی ندارد. تمام مسلمین اگر یک وقت بنا شد برای ایشان هجمه

بشود، خودشان باید دفاع کنند، مستقل‌اند در این امر. و کشور ایران

مستقلاً، ولو اینکه ولی فقیه هم نگوید، ولو اینکه علما هم نگویند - با

اینکه می‌گویند آنها هم - مردم مکلف شرعی هستند به اینکه دفاع

کنند.^۴

حضرت امام در این زمینه فرموده‌اند:

«قسم دوم از جنگ اسلامی که به نام دفاع اسم برده شده و آن

جنگیدن برای حفظ استقلال کشور و دفاع از اجانب است، به هیچ وجه

۱. منتظری، ۱۳۶۷: ۱/۱۲۵.

۲. موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۱/۲۳۱.

۳. همان: ۴۸۵/۱.

۴. همان: ۲۱۶/۱.

مشروط به وجود امام یا نایب امام نیست...؛ بلکه بر تمام افراد توده واجب است، به حکم اسلام از کشور اسلامی محافظت کنند و استقلال آن را پا برجا نمایند.^۱

در بیانات ایشان چنین آمده است که:

«اگر یک وقت خدای نخواست، یک هجومی به مملکت اسلامی بشود، باید همه مردم، یعنی مرد و زن مسأله دفاع دیگر این طور نیست که تکلیف مال مرد باشد، تکلیف مال یک دسته‌ای باشد، همه باید بروند و دفاع بکنند از مملکت خودشان»^۲

۲۱

از عبارت جواهر الکلام استفاده می‌شود که در رابطه با شهید و شهادت سه دیدگاه در بین فقها مطرح شده است: (۱) شهید کسی است که در رکاب پیامبر یا امام معصوم کشته شود؛ (۲) شهید کسی است که در رکاب پیامبر یا امام معصوم یا نایب خاص آنها کشته شود؛ (۳) شهید کسی است که در جهاد بر حق؛ ولو بدون حضور پیامبر یا امام یا نایب آنها کشته شود، مانند اینکه دشمنی بر مسلمانان حمله‌ور شود و بر اصل و اساس اسلام، احساس خطر شود. سپس ضمن پذیرش این رأی، آن را به جمعی از فقها همچون محقق حلی، شهید اول و ثانی نسبت داده است.^۳

یکی دیگر از نویسندگان در شمول حکم نسبت به کشته‌شدگان در جهاد دفاعی ادعای قطعیت کرده و آن را غیرقابل خدشه دانسته و اجماع برخی از علما بر این حکم را نقل کرده است.^۴

دلیل بر این حکم، صحیحه ابان بن تغلب است که در آن، کشته شدن در راه خدا، موضوع برای حکم شهید قرار گرفته است:

۱. همان: ۲۳۱/۱؛ منصوری، ۱۳۷۷: ۴۵.

۲. همان: ۴۲۵/۱۱.

۳. نجفی، ۱۳۷۲: ۸۷/۴.

۴. همدانی، ۱۴۱۶ق: ۱۱۵/۵.

«الَّذِي يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُدْفَنُ فِي ثِيَابِهِ وَلَا يُغَسَّلُ إِلَّا أَنْ يُدْرِكَهُ
الْمُسْلِمُونَ وَبِهِ رَمَقٌ ثُمَّ يَمُوتُ...»^۱

«کسی که در راه خدا کشته شود در لباسش دفن می‌شود و نیازی
به غسل ندارد؛ مگر اینکه مسلمانان بدن او را ببابند و در او رمقی باشد
و بعد از آن از دنیا رود.»

با توجه به مطالب ارائه شده در این مقاله چنین استفاده می‌شود که تقویت بنیه
دفاعی همان اصل بازدارندگی است به گونه‌ای که با تجهیز و تقویت سپاه اسلام،
دیگر دشمنان خیال حمله به مسلمانان را در سر نپرورانند. باید اذعان کرد تقویت بنیه
دفاعی اسلام و بالا بردن توان نظامی اسلام و به‌کارگیری پیشرفته‌ترین سلاح‌های
نظامی، اقتصادی و... برای بازدارندگی دشمن ضرورت دارد و لزوم ترسانیدن دشمن،
از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌ها در تقویت بنیه دفاعی است؛ یعنی مسلمانان از نظر
امکانات نظامی و دفاعی در سطحی از آمادگی باشند که ابهت و هیبت لشکر اسلام
در دل دشمن ایجاد رعب و وحشت کند. جامعه‌ای که می‌خواهد بازدارنده باشد باید
دارای قوت نظامی و اقتدار باشد، این اقتدار در همه زمینه‌ها به‌ویژه جنبه نظامی لازم
است. اقتدار جامعه، بازدارندگی و اقتدار دفاعی ایجاد کرده و جامعه را از گزند
دشمنان مصون می‌دارد.

نتیجه گیری

آمادگی دفاعی و تجهیز سپاه اسلام در همه دوره‌ها ضرورت داشته است و هرگاه این مهم اجرایی نشده است ضربات جبران ناپذیری از دشمن به اسلام وارد شده است. اگر چه اسلام همواره دعوت به صلح نموده و به دعوت صلح دشمن پاسخ مثبت می‌دهد، اما از طرف دیگر به مسلمانان هشدار می‌دهد که مواظب حيله دشمن باشند و حتی به هنگام صلح هم توان نظامی و قدرت دفاعی را در حد بالایی حفظ کنند، تا اگر دشمن مکر و حيله کرد، مسلمانان غافلگیر نشوند. بدون شک اسلام برای جلوگیری از جنگ، همواره به مسلمانان سفارش می‌کند که آنچنان قوی و نیرومند باشند تا دشمن خیال حمله به آنها را هم نداشته باشد. در مبانی فقهی و فتاوی علمای شیعه توجه به تقویت بُنیه دفاعی هرگز مغفول نبوده است و توجه ویژه‌ای به این امر داشته‌اند. در عصر معاصر نیز بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران امام خمینی علیه السلام دفاع (که تقویت بُنیه دفاعی را نیز شامل می‌شود) را نوعی جهاد دانسته‌اند و بیان نموده‌اند که در اوضاع و شرایط کنونی که دشمنان شیعه هر لحظه به دنبال حذف شیعه هستند، هیچ امری را واجب‌تر از دفاع با جان و مال نمی‌باشد که تقویت بُنیه دفاعی نیز شامل جنبه مادی این دفاع است و حیات شیعه به این امر وابسته است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. آرزو، پرویز، *خاطرات سیاسی جنرال عبدالقادر در گفت و گو با پرویز آرزو*، قم: اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۹۵.
۲. ابراهیمی، محمد، *اسلام و حقوق بین الملل و عمومی*، قم: سمت، ۱۳۷۲.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، ۱۴۲۴ق.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.
۵. خمینی، روح الله، *تحریر الوسيله* (ترجمه فارسی)، تهران: نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵.
۶. _____، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
۷. خوئی، ابوالقاسم، *الموسوعة فی شرح عروه الوثقی*، قم: إحياء آثار الامام خوئی، ۱۴۱۸ق.
۸. زین الدین رازی، محمد بن ابی بکر، *مختار الصحاح*، بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۲ق.
۹. ساعدی، باقر زامل، *الجهاد الدفاعی فی الفقه الامامی*، چ ۱، قم: کوثر، ۱۴۳۳ق.
۱۰. سبزواری، سید عبدالاعلی، *مذهب الاحکام فی بیان الاحکام و الحرام*، قم: التراث العربی، ۱۴۱۳ق.
۱۱. سید قطب، *اسلام و صلح جهانی*، ترجمه: سید هادی خسروشاهی، تهران: فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی، *شرح لمعه*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۲.

۱۳. طالقانی، محمود، *پرتویی از قرآن*، چ ۱، تهران: قدیانی، ۱۳۹۸.
۱۴. طباطبایی، سید علی، *ریاض المسائل*، بیروت: دار الهادی، ۱۴۱۲ق.
۱۵. طباطبایی، محمدحسین، *تفسیر المیزان*، ترجمه: محمدباقر موسوی، قم: اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن، *التبیین فی تفسیر القرآن*، ج ۷، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، [بی تا].
۱۷. عراقی، ضیاءالدین، *شرح تبصره المتعلمین*، چ ۱، قم: جامعه مدرسین، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۴ق.
۱۸. عطار، داود، *دفاع مشروع در حقوق جزای اسلام*، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
۱۹. منتظری، حسینعلی، *مبانی فقهی حکومت اسلامی*، قم: کیهان، ۱۳۶۷.
۲۰. محقق حلی، جعفر بن حسن، *شرایع الاسلام*، تهران: استقلال، ۱۴۰۹ق.
۲۱. منصوری لاریجانی، اسماعیل، *سیری در اندیشه‌های دفاعی حضرت امام خمینی*، تهران: بنیاد حفظ آثار دفاع مقدس، ۱۳۷۷.
۲۲. نجفی، محمدحسین، *جواهر الکلام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲.
۲۳. همدانی، رضا بن محمدهادی، *مصباح الفقیه*، تحقیق: محمد باقری و محمد نوری و...، چ ۱، قم: مؤسسه لایحیاء التراث، ۱۴۱۶ق.
۲۴. یزدی، محمدکاظم، *العروه الوثقی*، قم: مکتبه الدواری، ۱۴۱۴ق.

